



## از طبرستان تا مازندران



پژوهشگر - طهمورث فقیه

پیشتر گفته بودیم که به علت اهمیت اقتصادی طبرستان سلسله‌های پادشاهی و مهاجمان مختلف از سرزمین‌های مجاور به این ناحیه حمله می‌کردند و آنجا را متصرف می‌شدند و حکومت‌های زیادی در طبرستان حضور داشته‌اند که در کوتاه و یا بلندمدت بر مردم فرمان‌روایی می‌کرده‌اند. این دست‌به‌دست گشتن حکومت‌های طبرستان صدها سال ادامه داشته است و.....

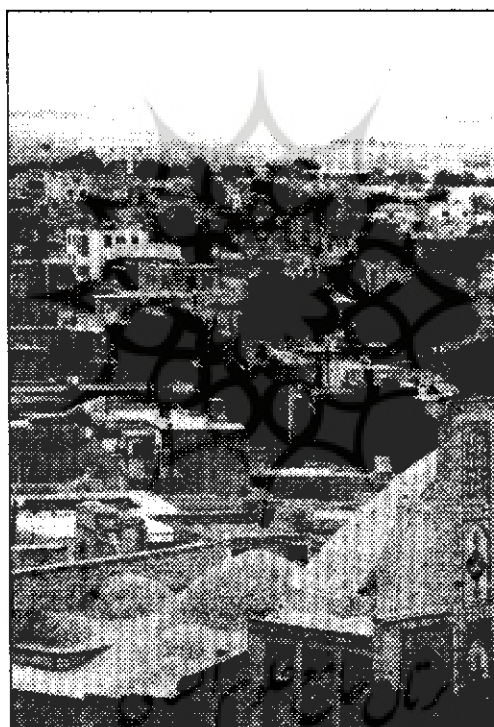
سواحل جنوبی دریای خزر سکونت داشته و در دوره‌های مختلف تاریخی دارای رییس و پادشاه مستقل و مقتدر بوده و از هیچ یک از سلسله‌های پادشاهی ایران حتی حاکمان مسلمان تبعیت ننموده و تمکین نداشتند، مگر در عهد صفویه که به واسطه‌ی نزدیکی که حکام مازندرانی با صفویه داشتند (مادر شاه عباس کبیر دختر میرعبدالله‌خان از سلسله پادشاهان مرعشی آمل بوده است) به سلطنت آن‌ها گردن نهادند.»

### مذهب اهالی مازندران

آنچه از پژوهش دانشمندان راجع به مذهب ایرانیان به دست آمده، این است که قوم هندوایران قبل از آن‌که از هم جدا شوند از حیث عقیده و مذهب اختلافی با هم نداشتند. معلوم نیست به چه علت بعدها اختلاف عقیده و مذهب پیدا کردند. ولی اهالی مازندران و گیلان مدت‌ها به همان عقیده اجدادی باقی‌مانده تا عاقبت به مذهب زردشت درآمدند.

به همین علت آریایی‌های ایران را مَزَدیستی یعنی مَزَدپرست گفتند و اهورامزدا را می‌پرستیدند و اهریمن را ناپاک می‌دانستند.

مرکز و جنوب ایران همه مَزَدپرست شدند، اما قسمت‌های شمالی ایران، توران و مازندران و گیلان به خدایان خیر یا (دو) وفادار ماندند و به (دوپرستی) قدیم آریا باقی ماندند.



محاصره بابل ۲۰/۰۰۰ پیاده و ۴/۰۰۰ سواره از این طایفه شرکت داشتند.

شاپور اول ساسانی در جنگ با «والرین» امپراتور روم چندین هزار پیاه و سواره از این طایفه‌ی مازندرانی با خود همراه داشت.

نتیجه آن‌که طایفه‌ی «مارد» یا «مَزَد» که از کوه زاگرس که پاتق کرمانشاه باشد تا محال کردستان و از طرف دیگر تا دامنه‌ی کوه قفقاز و سمت جنوبی بحر خزر مسکن نموده بودند، قومی بودند جنگجو که سکنه‌ی عراق و فارس و پارت‌ها و حتی یونانی‌ها و رومی‌ها را آسوده نمی‌گذاشتند و معتبرترین و قوی‌ترین این طایفه گروهی بودند که در

### نژاد اهالی مازندران

اسقاد «سعید نفیسی» در کتاب «تاریخچه زبان فارسی» و مرحوم «پیرنیا» در کتاب «تاریخ ایران باستان» و «مرحوم اعتمادالسلطنه» در کتاب «التدوین» و آقای عباس شایان در کتاب «مازندران» به نقل از نوشته‌های مورخین راجع به طایفه‌هایی که در زمان‌های پیشین در سواحل جنوبی بحر خزر سکونت داشته‌اند شرح کاملی نگاشته‌اند که به طور خلاصه آن را نقل می‌نمایم.

«طوایفی که در قدیم در سرزمین مازندران سکونت داشتند دو طایفه بودند، اول طایفه مازَد یا مارد که در سواحل غربی رود هراز یعنی از آمل به طرف مغرب سکنی داشته و اشتقاق اسم مازندران به قول موحوم کسروی در جزوه «نام شهر و دیه‌های ایران» از همین طایفه است.

دوم طایفه‌ی «تاپوری» که ناحیه‌ی شمال شرقی تا ساحل رودخانه‌ی ارس را برای سکونت اختیار کرده بودند و طبرستان از اسم این طایفه گرفته شده است. تمام ساکنان مازندران از نسل و نژاد این دو طایفه‌ی بزرگ می‌باشند.

به طوری که از نوشته‌های تاریخی استنباط می‌شود طایفه‌ی «مارد» یا «مَزَد» ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر بخش‌هایی از این ناحیه با قدرت حکومت می‌کردند و باج به پادشاهان ایران نمی‌دادند.

کوروش کبیر در وقت لزوم از این قوم فقط قشون چریک طلب می‌نمود، چنان‌که در



سال‌های اخیر به شبه جزیره میانکاله وصل شده‌اند. مرداب انزلی نیز به وسیله‌ی شبه جزیره «غازیان» از دریا جدا می‌شود، وجود دریای خزر نقش تعیین‌کننده‌ای در آب و هوای شمال ایران پدید می‌آورد و زیبایی‌های بی‌مانند گیلان و مازندران و گرگان به ماندگاری و حفظ شرایط زیستی این دریا بستگی دارد.



### مشخصات کلی دریای مازندران

درازای ۱۵۰۲ کیلومتر  
 پهنا ۵۵۴ کیلومتر  
 مساحت ۴۲۸۰۰۰ کیلومترمربع  
 حجم آب ۷۹۳۱۹ کیلومتر مکعب  
 طول محیط کرانه ۶۳۷۹ کیلومتر  
 طول کرانه در روسیه ۵۳۷۸ کیلومتر  
 طول کرانه در ایران ۹۹۱ کیلومتر  
 وسعت حوضه ۲۷۳۲۰۰۰ کیلومترمربع  
 وسعت حوضه در ایران ۲۵۶۰۰۰ کیلومترمربع  
 مساحت مرداب انزلی ۲۰۰ کیلومترمربع  
 مساحت خلیج گرگان ۴۰۰ کیلومترمربع

نسبت درصد آب‌هایی که از رودخانه‌های مختلف وارد دریای مازندران می‌شوند از این قرار است.  
 رودخانه‌های سواحل شمالی دریا یعنی ولگا - اورال و غیره ۸۷٪  
 رودخانه‌های سواحل غربی ۷٪  
 رودخانه‌های سواحل جنوبی در ایران ۵٪

می‌زنند. برای اثبات این نظریه در گنبد قدیمی «لاجیم سوادکوه» در مازندران که در سال ۴۱۳ هجری قمری بنا شده و نیز در «دوانگه» که در حدود سال ۴۰۰ هجری قمری بنا شده کتیبه‌هایی با خط پهلوی وجود دارد. از آنچه گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که زبان قدیم اهالی قسمت جنوبی دریای مازندران و بلندی‌های طبرستان، پهلوی بوده است. در حال حاضر در زبان اهالی طبرستان واژه‌های پهلوی بسیار زیاد است و حتی می‌توان گفت که نیمی از تمام واژگان گفتاری آن‌ها پهلوی است.

زیاد است و حتی می‌توان گفت که نیمی از تمام واژگان گفتاری آن‌ها پهلوی است.

### دریای مازندران

#### دریای مازندران

(خزر) با وسعتی حدود ۴۲۸/۰۰۰ کیلومترمربع بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان به شمار می‌رود که بین کشور ایران و کشورهای روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان واقع شده است.

سواحل جنوبی آن از «حسین‌قلی» تا آستارا مربوط به خط ساحلی ایران است.

کهن‌ترین نام این دریاچه «هیرکانی» است، پس از آن به نام‌های «آبسکون»، «طبرستان»، «قزوین»، «دیلم»، «مازندران»، «گرگان»، «خزر» و در نقشه‌ها و کتاب‌های خارجی دریای «کاسپین» نامیده شده است.

**عمق این دریا** از شمال به طرف جنوب افزایش یافته به طوری که عمق متوسط نواحی شمالی از ۶ متر تجاوز نمی‌کند، در صورتی که در جنوب و جنوب غربی به ۱۰۰۰ متر هم می‌رسد.

**سطح این دریا** ۲۶ متر از سطح دریای سیاه پایین‌تر است.

**کناره‌های این دریا** بیشتر شن‌زار و پست و صاف می‌باشد. خلیج گرگان در جنوب شرقی و مرداب انزلی در جنوب غربی ۲ بریدگی مهم آن هستند. خلیج گرگان توسط شبه جزیره میانکاله از دریای مازندران جدا می‌شود. جزیره‌های کوچک «آشوراده» در

کلمه‌ی «دیو» و «دیوسالار» که در زبان محلی کجور «دوسلار» می‌گویند، باقی‌مانده آن فرهنگ است.

**بعدها** قسمت‌های شمال ایران هم مثل سایر قسمت‌های کشور زردشتی شدند. وجود آتشکده‌های بسیار در بعضی از قسمت‌های مازندران نشان می‌دهد که در قدیم مردم طبرستان پیرو دین زردشت بوده‌اند. تاریخ می‌گوید به هنگام آمدن اسلام و تصرف ایران به دست عرب‌ها، مردم آن سرزمین از همان آغاز اسلام را نپذیرفتند و تا اوایل قرن سوم هجری برای حفظ کیش نیاکان خویش با مهاجمین در پرخاش و پیکار بودند. عاقبت سادات بنی‌فاطمه که در مبارزات ضد خلفا مورد توجه و استقبال عمومی قرار گرفته بودند به تدریج دین اسلام را توسط زبیده در مردم مازندران تبلیغ و ترویج نمودند و چنین شد که دین اسلام مورد قبول مردم قرار گرفت. بعدها به واسطه‌ی نزدیکی اعتقادات حکام مازندران با پادشاهان صفوی شیعه‌ی اثنی‌عشریه جای‌گزین مذهب (زبیده) شد و اکنون نیز مردم طبرستان به همان مذهب ۱۲ امامی باقی هستند.

### زبان اهالی مازندران

آنچه تاکنون از پژوهش دانشمندان و خاورشناسان راجع به زبان قدیم ایرانی‌ها به دست آمده چنین است که در زمان‌های بسیار دور گذشته که ایرانیان و هندوها با هم می‌زیسته‌اند همگی به زبان «سانسکریت» سخن می‌گفته‌اند، پس از آن‌که از هم جدا شدند «زبان رُند» در بین ایرانیان پدید آمد.

بعد از زبان زندی زبان «پارسی باستان» یا «فُرس قدیم» است که زبان ویژه خانوادگی و درباری پادشاهان هخامنشی بوده که در قرن ششم قبل از میلاد مسیح با آن صحبت می‌کرده‌اند. خط رسمی این دره خط میخی می‌باشد.

این زبان پس از تسلط یونانیان بر ایران از میان رفت. اشکانیان نیز زبانی ویژه خود داشتند که آن را «زبان پهلوی» می‌گویند و در زمان ساسانیان زبان همگانی ایرانیان بوده است. تا قرن پنجم هجری پادشاهان ایرانی‌نژاد طبرستان به خط پهلوی سکه



## مشخصات جغرافیایی استان مازندران

### مازندران در تقسیم‌بندی

استان‌های کشور دومین استان و یکی از سرزمین‌های سرسبز و حاصلخیز شمال ایران است و در جنوب دریای خزر قرار گرفته و دشت پهناور آن تا دامنه‌های سلسله جبال البرز گسترش یافته است.

### استان مازندران با وسعتی بالغ بر

۴۴۵۵۲ کیلومترمربع بین ۲۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. مساحت مازندران که ۲/۸۴ درصد مساحت کل کشور را شامل می‌شود، در ردیف یازدهمین استان از نظر وسعت قرار دارد.

### حد شمالی آن دریای مازندران و کشور

اتحاد جماهیر شوروی سابق (کشور ترکمنستان)، حد جنوبی آن استان تهران و سمنان، حد غربی آن استان گیلان و حد شرقی آن استان خراسان می‌باشد.

### بر اساس آخرین نتایج تفصیلی

سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ (به نقل از آمار نامه استان مازندران سازمان برنامه و بودجه استان مازندران - معاونت آمار و اطلاعات منتشره در دی‌ماه سال ۱۳۷۶ چاپ شده در چاپخانه مرکز آمار ایران) استان مازندران جمعیتی معادل ۴/۰۲۸/۲۹۶ نفر دارد که در مقایسه با سال ۱۳۶۵ در حدود ۱/۶۶ درصد رشد داشته است.

### از کل جمعیت ۴۴/۳ درصد در نقاط

شهری و ۵۵/۵ درصد در نقاط روستایی ساکن می‌باشند.

### بر اساس آخرین تقسیمات کشوری تا

سرشماری سال ۱۳۷۵، استان مازندران شامل ۲۰ شهرستان، ۵۱ شهر، ۴۹ بخش و ۱۴۲ دهستان می‌باشد و اسامی پاره‌ای از آن‌ها چنین است:

شهرستان‌ها شامل: گنبد، علی‌آباد، گرگان، بندرترکمن، کردکوی، بهشهر، ساری،

قائم‌شهر (شاهی)، سوادکوه، بابل، آمل، نور، نوشهر، تنکابن (شهسوار)، رامسر.

«لازم به تذکر است: در سال ۱۳۷۵ به

تصمیم وزارت کشور، بخش چالوس نیز به شهرستان تبدیل و در سال ۱۳۷۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی شهرستان‌های گنبد، علی‌آباد، گرگان، بندرترکمن، و کردکوی، تشکیل استان گلستان به مرکزیت شهر گرگان را داده و از استان مازندران جدا شده‌اند.»

### شهرها و بخش‌های تابعه: گنبد

(آزادشهر، کلاله، مینودشت، رامیان، خان‌بین، گالیکش، کلاله، مراوه تپه، داشلی‌برون).

علی‌آباد: علی‌آباد گرگان: (آق‌قلا)، بندرترکمن: (گمش ده، گمیشان)، کردکوی: (بندرگز)، بهشهر: (نکاء، رستم کلا، گلوگاه، یانه‌سر).

ساری: (دودانگه، چهاردانگه)، قائم‌شهر:

(جویبار، کیاکلا، فریدون کنار، بندپی)،

سوادکوه: (شیرگاه، زیرآب، آلاشت، پل

سفید)، بابل: (امیرکلا، بابلسر، فریدون‌کنار،

بندپی)، آمل: (محمودآباد، رینه لاریجان،

هراز، لاریجان)، نور: (چمستان، بلده، عملده

(رویان)، نوشهر: (چالوس)، که در سال ۱۳۷۵

بخش چالوس به شهرستان تبدیل شده است،

مرزن‌آباد، کلارشت، تنکابن: (کلارآباد،

ساقی کلاهی، سلمان‌شهر)، عباس‌آباد:

(نشتارود، خرم‌آباد)، رامسر: (کتالم، سادات

محله).

\* \* \*

برای حسن ختام این فصل به قصیده‌ای

زیبا از شاعر گران‌قدر معاصر روان‌شاد

«مهدی سهیلی» که به یاد سفر نوروز سال

۱۳۶۳ به سرزمین مازندران سروده بسنده

می‌کنیم.

## مازندران

✓ دیدهام مازندران را بارها

در کنارش دلبران، دلدارها

✓ موج دریا، بوی گل، عطر نارنج

منظر زیبای شالیزارها

✓ خلوتش دلخواه جنگل در سکوت

جای امن وعده‌ها، دیدارها

- ✓ در هوای خوش، نسیم دل‌پسند پاک و صافی می‌شود پندارها
- ✓ بیشه‌ها آرام و گوش آرام‌تر دل بود آسوده از گفتارها
- ✓ می‌وزد از هر کنارش عطر عشق با دل عشاق دارد کارها
- ✓ موج دریا بستر مرغابیان آسمان آوردگاه سارها
- ✓ دامن ساحل منقش از صدف دست دریا می‌کند ایشارها
- ✓ دختر گل مست بر دوش نسیم گویی آید از در خم‌ارها
- ✓ یاس وحشی، دل‌ربا چون زلف یار ریخته بر شانه‌ی دیوارها
- ✓ برگ‌ها رقصان به آهنگ نسیم بلبلان، خواننده در گلزارها
- ✓ در میان سبزه‌ها، نارنج سرخ جلوه‌ای از آتشین رخسارها
- ✓ عطر لیمو صبح پیچد در دماغ بگذری گسار از دل گلزارها
- ✓ مرغکان آبی و زرد و کبود گل گرفته بر سر منقارها
- ✓ موج‌ها، هووکنان، پولکنشان گرد دریا، فوج بوتیمارها
- ✓ مرغکان بر موج دریا سینه‌سای ماهیان در کام ماهی‌خوارها
- ✓ سینه را پر کن ز عطر صبح‌گناه تا شود آسان تو را دشوارها
- ✓ زاده این خاک کهن، از بطن خویش پهلوانان، سروران، سردارها
- ✓ برگ‌برگ جنگل مازندران می‌کند در چشم دشمن خارها
- ✓ شاخه‌ها خود آیتی از تیرها نارون‌ها، هیئتی از دارها
- ✓ صد چو تهران برخی مازندران وان سواد اعظم بیمارها
- ✓ آن چو دوزخ، وین نمایی از بهشت وه که برهم می‌خورد معیارها
- ✓ خطه‌ی مازندران، اقبال خیر شهر تهران، منشاء ادبارها
- ✓ شادزی، ای خطه‌ی مازندران جانست ایمن باد از آزارها
- ✓ ای بنام دست نقاشی که زد نقش تو بی‌گردش پرگارها

«پایان»